

# تشنه مشاوره‌های کارا

چهار میزگرد با دانش‌آموزان  
شهرهای سنندج، مریوان، بیجار و بانه

## اشاره

محتوای گزارش پیش رو از مجموعه چهار میزگرد دانش‌آموزی در شهرهای سنندج، مریوان، بیجار و بانه شکل گرفته است؛ میزگردهایی که از گروه‌های ۵ تا ۱۱ نفره دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر تشکیل شده‌اند. موضوع این گفت‌وگوها طرح مشکلات آموزشی و دغدغه‌های جامعه دانش‌آموزی بود. بدیهی است، از آنجا که حوزه مسائل مطروح بسیار وسیع و فراگیر بود، صرفاً مباحثی با بیشترین فراوانی در گزارش منعکس شده است. همچنین، اهتمام گزارشگر بر طرح و انتقال دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات دانش‌آموزان بوده است که می‌تواند مورد ارزیابی و بررسی‌های دقیق‌تر قرار گیرد. به دلیل فرا رسیدن سال نو، در این گزارش «آداب و رسوم مردم کردستان در نوروز» معرفی و تشریح شده است.





### نوروز در آینه کردستان

نوروز یکی از مهم‌ترین اعیاد ایرانیان است. در این بین، مرز نشینان کردستان به عنوان ایرانیانی اصیل نوروز را که نمادی از رستاخیز طبیعت است، عزیز و گرامی می‌دارند. پیشینه نوروز به اقوام کهن‌تر از اقوام آریایی و اجداد هند - آریایی آنان بازمی‌گردد. در اساطیر ایران، پیدایش نوروز را به بر تخت نشستن **جمشید پیشدادی** نسبت داده‌اند. اما مردم کردستان مبدأ نوروز را داستان **کاوه آهنگر و ضحاک** می‌دانند.

در افسانه‌ها آمده است، هنگامی که کاوه بر ضحاک پیروز شد، مردم به مناسبت این پیروزی بر کوه‌ها آتش افروختند و دست در دست هم به شادمانی پرداختند که این پیروزی با آمدن بهار همراه شده بود. همچنان که در بسیاری از مناطق ایران، هر قوم و قبیله آداب و رسوم مختص به خود دارند، مردم کردستان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و در عین همگونی و هم‌نوایی با کل کشور، جشن‌ها و سنت‌های ویژه خود را دارند.

شاخص‌ترین نماد فرهنگ کردی در نوروز «لباس کردی» است. مردم کردستان مقید هستند که در جشن‌ها و مراسم رسمی حتماً از لباس سنتی خود استفاده کنند. پوشاک نواحی متفاوت کردستان، مانند اورامان، سقز، بانه، گروس، سندانج، مریوان و... با هم تفاوت دارند، اما از نظر پوشش کامل بدن، همه با هم یکسان هستند. این لباس‌ها برگرفته از سنت‌ها و آداب و رسوم نیاکان و نیز سازگار با شرایط اقلیمی و آب و هوایی شکل گرفته‌اند. لباس‌های کردی عموماً به دو دسته اصلی تقسیم

می‌شود: نخست لباس‌هایی که استفاده عمومی دارند و در زندگی روزمره به کار می‌روند، و دوم لباس‌هایی متمایز که برای مجالس رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نوروز استفاده از لباس رسمی کردی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ مردم کردستان برخوردار است. کردستان با وجود این لباس‌های رنگارنگ و زیبا، هنگام نوروز به رنگین‌کمانی زیبا مبدل می‌شود. از دیگر مظاهر فرهنگ کردستان برپایی جشن و پایکوبی به صورت دسته‌جمعی است. در ایام نوروز مردم گرد هم می‌آیند و با نواختن طبل، نی و... و نیز خواندن اشعاری کردی و انجام پایکوبی‌های سنتی گروهی کردی، فرا رسیدن بهار را جشن می‌گیرند. **عرفان احمدی**، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی درباره پایکوبی‌های کردی می‌گوید: «در این جا هر قوم آداب و رسوم و پایکوبی مخصوص به خود را دارد. پایکوبی‌هایی نظیر سورانی، هرامانی، کرمانجی، شکاک و... از این نوع‌اند، که هر یک مفهوم و پیام مخصوص خود را دارند؛ پیامی مثل هم‌بستگی و اتحاد و دوری از کینه این پایکوبی‌ها پیام آور تحول و حیات دوباره‌اند و باعث می‌شود نوروز در کردستان به شکل ویژه و متفاوتی برگزار شود.»

**سروه قاسمی**، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی از شهرستان مریوان، در این باره می‌گوید: «ما هم عید نوروز را جشن می‌گیریم، اما جشن ما با جشن دیگر اقوام خیلی متفاوت است؛ چراکه آداب و رسوم قدیمی ما همچنان پابرجا هستند. برای مثال ما، شب قبل از عید آتش برپا می‌کنیم. در مریوان آتش در منطقه «چوروننه» برپا می‌شود. تقریباً تمام مردم شهر

به این منطقه می‌روند تا در جشن برپایی آتش شرکت کنند و کمتر کسی در خانه می‌ماند. معمولاً مشعل را به دست یکی از ریش‌سفیدهای روستا می‌دهند تا آتش را روشن کند. این آتش هر می شکل و بسیار بزرگ است. پس از روشن شدن آن، مردم به شادی و پایکوبی می‌پردازند و از غروب آفتاب در این منطقه می‌مانند تا زمانی که روشنایی آتش در آسمان دیده شود و سیاهی شب با آتش متضاد باشد. پس از جشن، مردم منطقه در کنار یکدیگر شام می‌خورند. غذای معمولی این شب **دلمه** است.»

محمد پیری، دانش‌آموز سال دوم انسانی اضافه می‌کند: «آتش نماد نور و روشنایی است که در حقیقت با آمدن بهار به زندگی مردم برمی‌گردد.»

محمد امین فتح‌اللهی، دانش‌آموز سال دوم تجربی می‌گوید: «البته می‌توان جور دیگری هم دید. مثلاً قدیمی‌ها می‌گویند ما می‌خواهیم غم و غصه‌های سال گذشته را درون آتش بیندازیم و سال نو را با شادی آغاز کنیم.»

از دیگر مراسم نوروز در کردستان، «شال کشی» یا «شال گردش» است. شب عید نوروز جوانان روی پشت‌بام‌ها می‌روند و شال خود را برای گرفتن عیدی از سوراخ پشت‌بام‌های خانه‌های قدیمی به داخل می‌فرستند. در ساختمان‌های جدید

گرچه مراسم برپایی آتش نوروز در کردستان رایج است، اما نحوه اجرای مراسم آن در هر منطقه مخصوص همان منطقه

است. مثلاً در بیجار هر محله آتشی مخصوص به خود روشن می‌کند و آتشی مرکزی وجود ندارد. در شهرستان بانه کوهی به نام «آربابا» وجود دارد که آتش بسیار بزرگی روی آن روشن می‌کنند. چون این آتش بسیار بزرگ و روی ارتفاع افروخته می‌شود، از داخل شهر قابل مشاهده است. در عین حال بعضی خانواده‌ها هم جلوی در خانه خود آتش کوچکی می‌افروزند.

از فلسفه و چرایی برانگیختن آتش در شب عید پرسیدم. جوانان بانه هر یک از منظری افروختن آتش را تحلیل کردند. **بهرام قادری**، دانش‌آموز اول دبیرستان، می‌گوید: «این کار برگرفته از داستان کاوه آهنگر است. او بعد از موفقیتش در برابر ضحاک، روی کوه آتش روشن کرد و مردم این راه را ادامه داده‌اند.»



که فاقد دودکش هستند، شال را از پنجره به پایین می‌فرستند و صاحب‌خانه، پول، شیرینی، تخم‌مرغ رنگ‌شده و هر نوع هدیه دیگری را در شال می‌گذارد.

**علیرضا علی حسینی**، دانش‌آموز سال سوم ریاضی از شهرستان بیجار، درباره اجرای مراسم شال گردش می‌گوید: «جوانان سعی می‌کنند که در ایام نوروز به پشت‌بام خانه‌ها بروند و از همه خانه‌ها هدیه بگیرند. این مراسم در بیجار هنوز پررنگ و برقرار است. خانواده‌ها هم سعی می‌کنند تا با دادن شیرینی و هدایای گوناگون در شادی جوانان سهیم باشند.»

رفتن مردم به کوه و دشت و استفاده از طبیعت، از دیگر رسوم خطه کردستان در نوروز است. **بشری**

است. مثلاً در بیجار هر محله آتشی مخصوص به خود روشن می‌کند و آتشی مرکزی وجود ندارد. در شهرستان بانه کوهی به نام «آربابا» وجود دارد که آتش بسیار بزرگی روی آن روشن می‌کنند. چون این آتش بسیار بزرگ و روی ارتفاع افروخته می‌شود، از داخل شهر قابل مشاهده است. در عین حال بعضی خانواده‌ها هم جلوی در خانه خود آتش کوچکی می‌افروزند.

از فلسفه و چرایی برانگیختن آتش در شب عید پرسیدم. جوانان بانه هر یک از منظری افروختن آتش را تحلیل کردند. **بهرام قادری**، دانش‌آموز اول دبیرستان، می‌گوید: «این کار برگرفته از داستان کاوه آهنگر است. او بعد از موفقیتش در برابر ضحاک، روی کوه آتش روشن کرد و مردم این راه را ادامه داده‌اند.»

**حقیقت این است که در کردستان افراد در خانواده، جامعه، مدرسه و گروه‌های دوستی با یکدیگر فقط به زبان کردی سخن می‌گویند: این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان در درک فارسی و محاوره دچار مشقت شوند و دبیران نیز در تدریس با مشکلاتی روبه‌رو باشند**

**ما در نوروز برای گردش به دشت می‌رویم که غالباً این گردش روزهای جمعه است. در آن‌جا مردم عموماً یک غذای محلی به نام «کلانه» می‌پزند**

شکری، دانش‌آموز سال سوم انسانی از شهر مریوان، می‌گوید: «ما در نوروز برای گردش به دشت می‌رویم که غالباً این گردش روزهای جمعه است. در آن‌جا مردم عموماً یک غذای محلی به نام «کلانه» می‌پزند». حیات دوباره طبیعت بهانه‌ای به دست ریش‌سفیدان کردستانی می‌دهد تا فرصت نوروز را برای آشتی دادن افراد غنیمت‌شمارند و دوستی‌های مجدد را احیا کنند. این سنت حسنه از جمله رسومی است که در شهرهای متفاوت کردستان وجود دارد و فراگیر است.

### نیاز به مشاور رو به فزونی است

به علت پیشرفت علم و به دنبال آن تنوع در رشته‌های تحصیلی، ادغام برخی از رشته‌های دانشگاهی، ایجاد دانشگاه‌های متعدد با شرایط جدید و در مکان‌های متفاوت، ایجاد رشته‌های ناشناخته دانشگاهی و توجه بیشتر مردم به مسئله‌ی علاقه و استعداد در انتخاب رشته‌ی درسی، و گسترش دنیای ارتباطات و آشنایی با مکان‌های آموزشی خارج از کشور، همه عواملی هستند که امروزه باعث شده‌اند، توجه افراد به مشاوره‌ی تحصیلی بیشتر از قبل باشد. خوشبختانه در مدارس و آموزشگاه‌ها شاهد فعالیت مشاوران در زمینه‌ی مشاوره‌ی تحصیلی هستیم.

اهمیت بحث مشاوره‌ی تحصیلی در مدارس موجب شد تا نیم‌نگاهی به مشاوره‌ی تحصیلی در کردستان بیندازیم. از بچه‌ها می‌پرسم که رشته‌ی تحصیلی خود را چگونه انتخاب کرده‌اند. **سامان خدایی** که در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی رشته‌ی تجربی درس می‌خواند می‌گوید: «من به رشته‌های فنی و حرفه‌ای علاقه داشتم، اما مرا به زور به تجربی فرستادند. چون براساس معدل و نمره‌هایی که کسب کردم، رشته‌ی تجربی در اولویت اول من قرار داشت. اما وقتی به رشته‌ی تجربی رفتم، در سال دوم ضربه‌اش را خوردم و ۱۱ واحد افتادم.»

**آرش عثمانی**، دانش‌آموز سال سوم تجربی هم اضافه می‌کند: «تجربی اولویت پنجم من بود، اما مشاور به من گفت برو تجربی.»

می‌پرسم آیا در انتخاب رشته اجباری در کار بوده است و آیا دیگران به جای دانش‌آموزان تصمیم‌گیرنده بوده‌اند. **بهمن احمدی**، دانش‌آموز سال سوم ریاضی پاسخ می‌دهد: «هیچ کس برای انتخاب رشته دانش‌آموز را مجبور نمی‌کند. اما اغلب بچه‌ها به توصیه‌های مشاور گوش می‌دهند. چون درس‌های سال اول طوری است که نمی‌توانی بگویی به کدامش علاقه داری.»

به نظر می‌رسد بچه‌ها در حالتی گنگ سر می‌برند. بعضی علاقه‌ای به رشته‌ی تحصیلی خود ندارند، بعضی نمی‌دانند که چرا رشته‌ی خود را برگزیده‌اند و برخی هم نمی‌دانند که چه آینده‌ای پیش رو دارند. **آرش عثمانی** می‌گوید: «آموزش و پرورش باید برای بچه‌های پایه‌ی اول مشاوران سطح بالا بیاورد تا او با تک‌تک بچه‌ها صحبت کند و از علاقه‌مندی‌هایشان بپرسد، استعدادشان را بسنجد، درباره‌ی رشته توضیحاتی بدهد و در نهایت بگذارد که خود دانش‌آموز تصمیم بگیرد.»

**هادی زارعی**، دانش‌آموز سال اول با معدل ۱۹/۱ است، اما دقیقاً نمی‌داند که چگونه باید برای انتخاب رشته خود تصمیم بگیرد. **پیمان رحمانی** هم دانش‌آموز سال اول است با معدل ۱۵/۱. او به درس زیست‌شناسی علاقه دارد، اما مشاور به او توصیه کرده است که به فنی و حرفه‌ای برود. می‌گوید: «نمی‌دانم چه تصمیمی بگیرم...»

فارغ از اینکه فعالیت مشاوران چقدر صحیح بوده است، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان در قبال توصیه‌های مشاوران قانع نشده و منطق مطرح شده را چندان نپذیرفته‌اند. همچنین، اطلاعاتی که در خصوص رشته‌ی آتی تحصیلی دانشگاهی خود در اختیارشان قرار گرفته، ناکافی بوده و تصویری مبهم از آینده‌ی تحصیلی را برایشان رقم زده است. همچنین، نیاز به مشاوران تحصیلی زبده و آگاه از رشته‌های جدید دانشگاهی و تا حدی مطلع از بازار کار، بارها در بیان دانش‌آموزان تکرار می‌شود. شایان ذکر است، میزان آگاهی دانش‌آموزان از رشته‌ی تحصیلی خود و رشته‌های دانشگاهی از فردی به فرد دیگر و از مدرسه‌ای به مدرسه‌ی دیگر متفاوت به نظر می‌رسد. برای مثال، آگاهی و رضایتمندی دانش‌آموزان از مشاوره‌ی تحصیلی در بیجار و سنندج به مراتب بیشتر از مریوان و بانه است.

در کتاب درسی سال اول دوره‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای درباره‌ی مشاوره‌ی تحصیلی آمده است: «... مشاوران می‌کوشند با ایجاد رابطه‌ی صمیمانه و دوجانبه با دانش‌آموزان در بررسی مشکلاتشان از جوانب و دیدگاه‌های مختلف به ایشان کمک کنند، تا ضمن یادگیری فرایند مشکل‌گشایی، بتوانند با بینشی



این جمله را **هوشیار توکلی**، دانش‌آموز سال سوم ریاضی می‌گوید و **محمد قربانی** دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی رشته تجربی ادامه می‌دهد: «اگر معلم فارسی درس بدهد، بهتر است. چون من همین الان استرس دارم که چطور جلوی شما فارسی حرف بزنم».

ما با تعجب می‌پرسیم که مگر در کلاس‌های شما تدریس به زبان کردی انجام می‌شود که آن‌ها پاسخ مثبت می‌دهند. باز می‌پرسیم که دبیران درس‌ها را چطور به زبان کردی آموزش می‌دهند و آیا دانش‌آموزان از این باب با مشکلی مواجه نشده‌اند؟ هوشیار توکلی می‌گوید: «معلم کتاب را به کردی ترجمه می‌کند و درس می‌دهد».

**سامان خدایی** می‌افزاید: «مشکل ما این است که معلم‌ها کردی درس می‌دهند، اما کتاب فارسی است. وقتی بچه‌ها کتاب را می‌خوانند، مفهومی را خوب نمی‌فهمند».

**پیمان رحمانی** می‌گوید: «چون ما درس‌ها را به کردی یاد می‌گیریم، اگر مطلبی از ذهنمان برود و بخواهیم کتاب را مرور کنیم، دیگر نمی‌توانیم مطلب را درک کنیم. من که ۱۲ سال است کردی یاد گرفته‌ام، اگر بخواهم فارسی بخوانم و صحبت کنم، خیلی برایم سخت است».

بچه‌ها می‌گویند اگر دانش‌آموزی غیر کردزبان به کردستان بیاید، مجبور می‌شود کردی یاد بگیرد؛ چنان که تاکنون چند مورد رخ داده است. چون به هنگام تدریس معلم به زبان فارسی، دانش‌آموزان اعتراض می‌کنند که مفاهیم را درک نمی‌کنند. می‌پرسیم: آیا کتاب درسی برای فراگیری زبان فارسی کافی بوده است؟ خدایی می‌گوید: «من یک

وسیع و همه‌جانبه به مسائل بنگرند و موفق به اخذ تصمیمات مناسب شوند. در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره، مشاور برای هیچ دانش‌آموزی تصمیم نمی‌گیرد و یا به او القای نظر نمی‌کند. تصمیم‌گیری اختیار، انتخاب و مسئولیت تام خود دانش‌آموز است. مشاور فقط می‌کوشد مسئله انتخاب و تصمیم‌گیری را که کاری بسیار دشوار است، برای وی آسان سازد. در حقیقت مشاور در حل مشکل فقط می‌تواند با همدلی و هم‌فکری به بررسی راه‌حل‌ها بپردازد».

### چگونه باید حرف زد!

گاه برای طرح مسائل ما به سراغ پدیده می‌رویم و گاه پدیده به سراغمان می‌آید! در کردستان وارد مدرسه که می‌شدیم، مدیر یا دبیر در جمعمان حاضر می‌شد و به زبان کردی موضوع گفت‌وگو را شرح می‌داد؛ گویی که سعی داشت دل‌ها را آرام کند و سؤالات را تفهیم!

بچه‌ها نیز با اصرار می‌خواستند قبل از گفت‌وگو سؤالات بازگو و تشریح شوند. این ماجرا به جز بیچار، در سهندج، مریوان و بانه تکرار شد. در آغاز گفت‌وگو، بچه‌ها از استرس و اضطراب سخن به میان می‌آوردند و ما با این دید که فضای گفت‌وگو موجب دل‌پره‌هاست، سعی می‌کردیم صمیمیت را جای‌گزین سازیم. اما عجیب آن بود که هرچه پیش می‌رفتیم، از جمله‌های دارای قالب‌های کتابی و رسمی کاسته نمی‌شد و سرانجام اعتراض ما به این موضوع چنین پاسخی در پی داشت: «همه دغدغه ما این است که چطور فارسی را صحیح صحبت کنیم!»

برادر کلاس سوم ابتدایی دارم. اما او هنوز نمی‌تواند کتاب را راحت بخواند. به نظرم کتاب‌های ابتدایی برای اقوامی که زبان مادری‌شان متفاوت است، خوب نگارش نشده است تا در حقیقت یک زبان را به افراد بیاموزد.»

لابه‌لای گفت‌وگو، یکی از بچه‌ها معنی فارسی کلمه‌ای را می‌پرسد تا جمله‌اش را کامل کند. برخی در پاسخ می‌گویند: «علاقه». دیگری «بزه» را «مفید» معنی می‌کند. اصطلاحاتی رایج و نه چندان پیچیده را غلط به کار می‌برند و در پایان یادآوری می‌کنند که:

«برای فارسی صحبت کردن استرس داشتیم.»

حقیقت این است که در کردستان افراد در خانواده، جامعه، مدرسه و گروه‌های دوستی با یکدیگر فقط به زبان کردی سخن می‌گویند: این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان در درک فارسی و محاوره دچار مشقت شوند و دبیران نیز در تدریس با مشکلاتی روبه‌رو باشند.

## دغدغه‌های دانش‌آموزی

### دردی برای تمام فصول

مهم‌ترین دغدغه دانش‌آموز کردستانی چیست؟ این پرسش اساسی ما در این بررسی‌ها بود که بی‌مقدمه پاسخش را جویا می‌شوم. از بچه‌ها می‌خواهم از دغدغه‌هایشان بگویند. از دل مشغولی‌های نوجوان امروزی می‌گویند و می‌گویند، اما سر خط همه گفته‌ها به یک نقطه می‌رسد: «بیکاری!...»

**حسام مغاذی**، دانش‌آموز سال سوم رشته انسانی می‌گوید: «مشکل اصلی ما کمبود کار است. اگر کسی نخواهد ادامه تحصیل بدهد، باید سربار خانواده باشد و نمی‌تواند در این جامعه زندگی کند.»

**فرزاد نوری**، هم کلاسی او، در جواب دوستش می‌گوید: «مسئله این است که اگر کسی درس بخواند هم سربار خانواده می‌شود، چون حقیقتاً کار نیست.»

اغلب بچه‌هایی که در این جمع با ما سخن می‌گویند، تابستان‌ها کارگری می‌کنند. **عرفان احمدی** در این باره می‌گوید: «من خودم تابستان‌ها کار می‌کنم. من درس می‌خوانم که مجبور نباشم زیر آفتاب داغ و با حداقل دستمزد کار کنم. اما در چنین شرایطی چه امیدی به آینده دارم؟»

**وجود فارغ‌التحصیلانی که به ناچار در رشته‌ای به جز رشته تحصیلی خود کار می‌کنند و به مشاغل نظیر کارگری می‌پردازند نیز، از جمله مصادیقی است که بر دلواپسی‌های جامعه دانش‌آموزی می‌افزاید**

شاگرد اول‌ها هم نظر مشابهی دارند. **پویا وزیری**، دانش‌آموز سال دوم انسانی که جزو شاگردان برتر کلاس است، می‌گوید: «معدل من خوب است، اما هیچ امیدی به آینده شغلی خودم ندارم.»

**عرفان احمدی** می‌افزاید: «بین فامیل و آشناهای ما چند مورد لیسانس و فوق‌لیسانس بیکار داریم. با وجود این، من هم از آینده‌ام می‌ترسم.»

وجود فارغ‌التحصیلانی که به ناچار در رشته‌ای به جز رشته تحصیلی خود کار می‌کنند و به مشاغل نظیر کارگری می‌پردازند نیز، از جمله مصادیقی است که بر دلواپسی‌های جامعه دانش‌آموزی می‌افزاید. به استناد سایت استنادی کردستان، این استان جزو استان‌های توسعه‌نیافته صنعتی است و صنعت استان در کل کشور در رتبه بیست و ششم قرار دارد. در بخش کشاورزی این استان در مقایسه با سایر استان‌ها در کشت آبی رتبه هجدهم و در کشت دیم رتبه دوم را دارد.

به گزارش «مرکز آمار ایران» نرخ بیکاری کردستان در بهار ۱۳۹۱ حدود ۱۱/۹ درصد بوده است و جایگاه سیزدهم را میان استان‌های کشور دارد. بحث بیکاری و فقر در نقاط مختلف کردستان اثرات متفاوتی بر جای گذاشته است. برای مثال، در شهر بیجار باعث ایجاد پدیده مهاجرت شده است. این مهاجرت تا آنجا پیش رفته که آمار جمعیتی این شهر رشد منفی داشته است. اما در شهر بانه به دلیل هم‌جواری آن با مرز عراق موجب تغییراتی در بافت شهر و ایجاد مشاغل کاذب شده است.

## برق بازارهایی که کور می‌کند

شهرهای مرزی همواره شرایط ویژه و متمایزی دارند. هم‌جواری شهر بانه با مرز عراق و برقراری روابط بازرگانی با مناطق مرزی و نیز شکل‌گیری پاساژها و بازارهای تجاری در بانه، چندی است که نگرانی مسئولان آموزشی استان را برانگیخته است. در برخی سال‌ها بانه آمار رو به رشد و یا بالایی در افت تحصیلی و ترک تحصیل داشته است. همچنین کاهش قابل توجهی در قبولی دانش‌آموزان این شهر در کنکور سراسری مشاهده می‌شود. از این رو مصمم شدیم دلایل افت تحصیلی مذکور را بیابیم. از دانش‌آموزان «دبیرستان شهید صدوقی» بانه می‌پرسیم: آیا بازارهای تجاری بانه تأثیری در افت تحصیلی دانش‌آموزان داشته‌اند؟

**پیمان رحمانی** در پاسخ می‌گوید: «چون فقر در آنجا است، دانش‌آموزان بانه ترک تحصیل می‌کنند و به سمت کار و تجارت می‌روند و علاقه به درس کمتر شده است.»

**آرام مازوجی (دانش آموز): «آن زمان که کالا از طریق قاطر حمل می‌شد، دانش‌آموزان به سمت تحصیل گرایش داشتند و دانش‌آموزان بانه رتبه‌های بالایی در کنکور می‌آوردند. اما در چند سال اخیر که مرزها بسته شده‌اند و حمل بار توسط کول‌بری است، دانش‌آموزان به خاطر فقر به این کار روی آورده‌اند»**

وقتی تضارب آرا میان بچه‌ها بالا می‌گیرد، آرش عثمانی نقش فرهنگ را در ترک تحصیل بیش از هر نکته دیگری می‌داند و می‌گوید: «فقط قشر فقیر نیستند که ترک تحصیل می‌کنند. ما افراد پول‌داری داریم که مانع تحصیل فرزندشان می‌شوند و معتقدند که کار در بازار برای فرزندشان بهتر است؛ چون احترام به دانش‌اندک است. در مقابل بعضی خانواده‌های فقیر هستند و حاضرند با سختی هزینه تحصیل فرزندشان را تأمین کنند تا او درس بخواند. این نگاه فرهنگی بحثی کلی است که می‌تواند همه جا باشد، اما چون بانه فضایی تجاری دارد نمودش بیشتر است».

برایند گفته‌های دانش‌آموزان حاکی از آن است که از وجود چنین بازاری در بانه رضایت دارند و معتقدند که برایشان مزایایی به ارمغان آورده است. اشتغال‌زایی، کاهش فقر و ورود لوازم الکترونیکی جدید، به ویژه با قیمتی ارزان‌تر را از جمله مزیت‌های این بازار مرزی می‌دانند. البته ادامه می‌دهند که در صورت احداث کارخانه و رونق اشتغال‌زایی، بخش قابل توجهی از افراد به سمت مشاغل گرایش خواهند داشت که از نظر اجتماعی موجه و برای کشور مفید باشد.

در حاشیه بحث اشتغال دانش‌آموزی موضوع دیگری طرح می‌شود که شایان توجه است. آنان یادآور می‌شوند که بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل نیاز مالی می‌باید تعطیلات تابستانی خود را کار کنند. در طول سال تحصیلی هم به مدرسه می‌آیند و به مباحث آموزشی اشتغال دارند. در حقیقت تفریح و سرگرمی در زندگی آنان حلقه‌ای مفقود است. از اردوهای مدارس می‌پرسیم و اینکه در طول سال چه تعداد اردو وجود دارد. بچه‌های مدرسه شهید صدوقی می‌گویند در طول سال تحصیلی گذشته به اردو نرفته‌اند. پاسخ مشابه را در مدارس شهرهای بیجار، سنندج و مریوان هم دریافت کردیم. مسئولین آموزش و پرورش استان علت برگزار نشدن اردوهای دانش‌آموزی را کمبود منابع مالی و امکانات می‌دانند؛ به نحوی که نمی‌توانند همچون مدارس کلان‌شهرها برای دانش‌آموزان اردو برگزار کنند.

منابع

1. <http://irna.ir/Newsshow.aspx>
2. <http://www.ostan-kd.ir>
3. <http://www.entekhab.ir>

**آرام مازوجی** ادامه می‌دهد: «آن زمان که کالا از طریق قاطر حمل می‌شد، دانش‌آموزان به سمت تحصیل گرایش داشتند و دانش‌آموزان بانه رتبه‌های بالایی در کنکور می‌آوردند. اما در چند سال اخیر که مرزها بسته شده‌اند و حمل بار توسط کول‌بری است، دانش‌آموزان به خاطر فقر به این کار روی آورده‌اند که بعضی هم به دلیل آشنا نبودن با مسیر، روی مین رفته‌اند و جان خود را از دست داده‌اند یا بعضی از اعضای بدنشان قطع شده است. الان اگر به رتبه‌های کنکور نگاهی بیندازید می‌بینید که بچه‌های شهرستان بانه نمی‌توانند رتبه‌های گذشته خود را در کنکور کسب کنند».

**محمد قربانی** می‌افزاید: «البته این تأثیرات منفی بیشتر متوجه دانش‌آموزانی شده است که در روستاهای نزدیک مرز زندگی می‌کنند».

**سعید مصطفایی** می‌گوید: «در ابتدا دانش‌آموزان سه ماه تابستان را در بازار کار می‌کنند. اما وقتی درآمدش را می‌بینند، کم‌کم از ادامه تحصیل منصرف می‌شوند. زیرا احساس می‌کنند که این کار درآمدش بهتر است و با کاسبی در بازار به موفقیت بالایی می‌رسند».

دلایل گوناگونی به عنوان انگیزه ترک تحصیل و با عدم انگیزه کافی برای تحصیل از جانب دانش‌آموزان مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کسب درآمدهای وسوسه‌انگیز (درآمد یک روز معادل چندین روز کاری)؛ نیاز مالی ناشی از فقر شدید؛ فقدان فرهنگ ارزش نهادن به کسب دانش؛ مبهم بودن آینده شغلی دانش‌آموزان در صورت ادامه تحصیل؛ وجود مصادیقی که تحصیل را با انگیزه کسب ثروت رها کرده و موفقیت‌های چشم‌گیری در این عرصه داشته‌اند. اکثر دانش‌آموزان از هم‌کلاسی‌هایی می‌گویند که رفته‌رفته طی سال‌های تحصیل راه کج کرده و مدرسه را به بهانه کار رها کرده‌اند. اغلب کسانی هم که ترک تحصیل نکرده‌اند، کار در بازار را چه به عنوان مغازه‌دار، چه شاگرد مغازه و چه دست‌فروش تجربه کرده‌اند.

**سامان خدایی** دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی می‌گوید: «به جرئت می‌گویم تقریباً همه بچه‌های جمع حاضر در بازار کار کرده‌اند». (البته او خود را استثنا می‌کند. جمع ۱۱ نفر است و کسی با گفته او مخالفت نمی‌کند).

اغلب بچه‌ها بر این باورند که رونق تجارت در بانه موجب کاهش فقر در این شهر شده است، اما سامان خدایی نظر دیگری دارد: «من فکر می‌کنم ما هنوز فقرای زیادی در بانه داریم. فقرا کم نشده‌اند بلکه بین ثروتمندان گم شده‌اند. من از ۲۶۰ دانش‌آموز مدرسه خودمان ۸۰ دانش‌آموز را می‌شناسم که خودشان در مرز کار می‌کنند، اما نمی‌توانند این مطلب را علنی بیان کنند. این افراد در جامعه پنهان می‌شوند».